

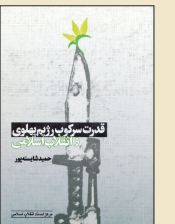
پیش‌خواران

«قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی»

در آیینه یک پژوهش نوانتشار

وقتی داغ و درفش بی اثر می شود!

■ **محمد رضا کاتبینی**



هر نظام سیاسی برای مانایی خویش، تدابیری دارد. رژیم‌های بیگانه‌گرا و فاقد پایگاه سیاسی، معمولاً و صرفاً به ابزار سرکوب متوسل می‌شوند. حکومت پهلوی اول و دوم به دلیل آنکه اساساً با خواست مردم قدرت نگرفته بود، می‌دانست که در مواجهه با ایشان جز «زور» مستمسکی ندارد. اما چرا این حربه کارایی خویش را از دست داد و ناتوان گشت؟ اثر «قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی» از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، عهده‌دار پاسخ به این پرسش است. حمید شایسته‌پور مؤلف اثر، در دیباچه خویش چنین آورده است:

«در میان رژیم‌های معاصر حاکم بر ایران رژیم پهلوی و به‌طور مشخص محمدشاه طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۲ بیش از هر رژیمی در ایران به نیروهای مسلح توجه و تکیه داشت. وی به عنوان فرمانده کل قوا احساس می کرد ارتشی قوی و نیرومند و در عین حال وفادار نه تنها می تواند نظام سیاسی او را در قبال مخالفین داخلی حفظ کند، بلکه با توجه به جاه‌طلبی‌هایش می تواند ابزار و اهرم لازم را برای دخالت در امور متعلقه و همسایگانش فراهم آورد. استفاده از قدرت سرکوب برای تثبیت نظام و حفظ آن در مقابل مخالفت‌های داخلی به گونه‌های مختلفی صورت می گرفت، از جمله سرکوب تظاهرات و مخالفت‌های علنی توسط پلیس و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، اعمال حکومت نظامی در مواقع بحرانی، اعمال مجازات مخالفین از طریق دادگاه‌های فرمایشی، ایجاد و توسعه شبکه اطلاعاتی و امنیتی به‌ویژه ساواک که فعالیت‌های آن برای سرکوب مخالفین تا سطوح بین‌المللی نیز گسترش



نمایش از شکنجه‌های سینه

سرتیگ صدیک‌اکبری سولای

یافته بود...

با این حال سؤال اصلی این است: «چرا رژیم شاه به‌رغم در اختیار داشتن منابع عظیم ثروت و بودور خوری از نیروی عظیم سازمان یافته نظامی و دستگاه‌های سرکوبگر اطلاعاتی، امنیتی و پلیسی در عین حمایت ابرقدرت‌ها نتوانست از وقوع انقلاب اسلامی جلوگیری کند؟»

سؤالات فرعی که در این باره مطرح هستند عبارت‌ند از:

- قدرت سرکوب رژیم پهلوی چگونه اعمال می شد و هر کدام از دستگاه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و پلیسی چه نقشی در سرکوب داشتند؟

- ساختار نیروهای نظامی ایران پیش از انقلاب اسلامی چگونه بود و میزان وابستگی آن به شاه و قدرت خارجی تا چه اندازه بود؟

- قدرت مخالفین رژیم شاه چگونه بود؟

- دیالکتیک قدرت بین رژیم شاه و مخالفین آن به چه صورت بود؟

پای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده دو فرضیه ارائه شده است:

فرضیه نخست: رژیم شاه برای جلوگیری از وقوع انقلاب از همه ابزارهای سرکوب استفاده کرد، اما نتوانست مانع وقوع انقلاب شود.

فرضیه دوم: استراتژی انقلابیون به رهبری امام خمینی در جهت عدم استفاده از ابزار قدرت مشابه

و متقارن در رویارویی با رژیم پهلوی قدرت سرکوب

این رژیم را خنثی کرد.

برای پاسخ به سؤالات و فرضیات مطرح شده در بخش

نخست به بررسی نظری مباحث قدرت سیاسی،

ابزارها و منابع آن و تقابل قدرت بین رژیم‌های سیاسی

و مخالفان آن می‌پردازیم و تبیینی از نوع رژیم شاه

را ارائه می‌کنیم.

در بخش دوم سازمان‌های سرکوبگر در رژیم پهلوی و

حمایت‌های خارجی از آنها بررسی می‌کنیم.

در بخش سوم ضمن بررسی منابع و ابزارهای قدرت

رژیم شاه و نحوه فعالیت آنها به بیان نوع واکنش

مقارن و مبارزات و خیزش‌های مسلحانه علیه رژیم

شاه می‌پردازیم.

بخش چهارم به دیالکتیک قدرت بین رژیم شاه

و انقلابیون تحت رهبری امام اختصاص دارد. در

این بخش نوع عملکرد رژیم شاه را در استفاده از

سازمان‌های نظامی و ساختار اقتدارگرایانه آنها در

قبال نظامیان در تقابل با نوع رهبری، استراتژی‌ها و

برنامه‌های امام خمینی درخصوص استفاده از سازمان

غیررسمی روحانیت بررسی می‌کنیم.»

عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷



گذری بر پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری خواهی رضاخانی

سردار سپه تصمیم به استعفا و زندگی در عتبات!

■ **احمد رضا صدری**

*بی تردید غائله جمهوری خواهی رضاخان به هدفی فراتر از یک مانور سیاسی نظر داشت که همان از دور خارج کردن جمهوریت و استیلای یک استبداد مطلقه و خشن بود. این رویکرد آثار پیامدهای متنوعی داشت که در مقال **پیش روی بدان** پرداخته شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.*

■ ■ ■

■ **آنچه در پس جمهوری روی خودا**

پیامدهای جنبش جمهوری خواهی رضاخانی -که با هیاهو و جنجال شروع و با درگیری تمام شد- متعدد بودند و مهم‌ترین آن مواجهه رودرروی رضاخان و احمدشاه بود که نهایتاً به استعفای رضاخان انجامید!

یکی از پیامدهای مهم جنبش جمهوری خواهی، پیامدهای اقتصادی آن است. از تور میلسیونی امریکایی که برای سرسوسان دادن به مال‌های و تنظیم مالیات‌ها به ایران آمده بود، هیچ‌وقت مستقیماً در این زمینه اظهارنظر یا موضع‌گیری نمی کرد، اما هروقت فرصت مناسبی پیش می‌آمد به دولت درباره پیامدهای اقتصادی زبانبار شرکت کارکنان و کارمندان دولت در تظاهرات‌ها هندسار می‌داد، او طی بررسی‌هایی به این نتیجه رسید که زبان‌های حاصله از این تعطیلی‌ها بالغ بر بیش از یکصد هزار تومان کسری بوده‌بوده است. از این گذشته انعکاس اغراق‌آمیز اخبار ایران در رسانه‌های خارجی، از اوضاع بی‌ثبات و ناپایدار ایران حکایت می‌کرد که خود امکان جذب سرمایه‌های خارجی، به‌ویژه در حوزه امتیازات نفتی را که نیاز اصلی کشور بود، کاهش می‌داد.

■ **رضاخان پس از شکست پروژه جمهوری خواهی**

رضاخان پس از شکست پروژه جمهوری خواهی، برای اینکه بتواند اوضاع را تحت کنترل خود داشته باشد به نیروی عظیم رهبران مذهبی متوسل شد. او در پاسخ به علما در بیانیه خود خطاب به ملت ایران از آنها خواست جمهوری خواهی را خاتمه‌یافته بدانند و به جای آن تلاش کنند موافعی را که سر راه پیشرفت کشور قرار گرفته و انجام اصلاحات را ناممکن کرده‌اند، از بین ببرند. او در پایان بیانیه خود راه پیشرفت کشور قرار گرفته و انجام اصلاحات را ناممکن کرده‌اند، از بین ببرند. او در پایان بیانیه خود تصریح کرد که با پشتوانه ملت و تحت حمایت اقشار مختلف تلاش خواهد کرد از اساس دین، استقلال کشور و حاکمیت ملی دفاع کند.

هر چند رضاخان با وجود به خطر افتادن موقعیتش

توانسته بود بحران جمهوری خواهی را در سرت

مدیریت کند، اما نشانه‌ها حاکی از آن بودند که منازعه بین تمرکزگرایان تجد‌خواه به رهبری رضاخان و هواداران نظم مستقر به رهبری نمایندگان اقلیت در مجلس مغلوبه شده است. با شکست قطعی جنبش جمهوری خواهی، شاه و ولیعهد که تا این زمان با ناامیدی و انفعال، اوضاع و شرایط را رصد می کردند و سلطنت را کلاز دست رفته می‌دانستند، با اغتنام فرصت و مناسب شدن فضا، سعی کردند موقعیت قبلی خود را ترمیم کنند. شاه بلافاصله تلگرافی به مجلس فرستاد و عدم اعتماد خود به سردار سپه را اعلام کرد و از مجلس خواست فرد دیگری را به جای او برای نخست‌وزیری انتخاب کند.

جناح اقلیت مجلس به رهبری مدرس که خود را در این جنگ برنده نهایی تصور می کرد، با این احساس کاذب در مواضع بعدی، به‌خصوص در مواجهه با رضاخان دچار مخمصه شد. هر چند رضاخان با تأکید بر پایبندی به شریعت و اطاعت از علما و رهبران دینی تا حدودی از مخالفت اسلام‌گراهای ضد جمهوریت کاست، اما طرفداران و هواخواهان او هر روز شایعانی را در زمینه طرح مجدد جنبش خواهی منتشر و روی آن گذاشته، این بار با می کردند که رضاخان بر خلاف گذشته، این بار با تساهل با مسئله بر خوردر نخواهد کرد و در چارچوب قانون پیش نخواهد رفت، بلکه به قصد پیروزی قاطع و با اقتدار کامل، جمهوریت را مطرح و پیگیری خواهد کرد و به جای تدین، شاهزاده بر تحرک و جسوری به نام سلیمان میرزا اسکندری این موضوع را در مجلس پیگیری خواهد کرد، زیرا در غیر این صورت، با اوضاع آشفته کنونی، موقعیت بین‌المللی ایران در معرض مخاطره قرار خواهد گرفت.

■ **پیامدهای سنگین شکست جمهوری خواهی برای جریان «برانداز»**

شکست جمهوری خواهی برای رضاخان بسیار گران تمام شد و او شهرت و محبوبیت خود را در اثر این شکست از دست داد و اینک جز در ارتش، در جای اعتبار و نفوذ نداشت. قلدلمآبی و خشونت ذاتی رضاخان در رویارویی با مجلس و مردم، اعتماد ملی به او را به‌شدت آسیب پذیر کرده بود. در این میان روزنامه‌های طرفدار اقلیت و نیز محافل مذهبی و سیاسی به این موضوع دامن می‌زدند و بی‌اعتمادی مردم و مجلس به رضاخان را تشدید می‌کردند. عده زیادی برای احمدشاه پیام و تلگراف فرستادند که هرچه سریع‌تر به کشور بازگردد و

عمومی می کند، ما اعتماد خود را از مشارالیه سلب نمودیم. لازم است اکثریت مجلس نسبت به شخص دیگری اظهار تمایل نماید تا فرمان صادر شود.»

■ **رضاخان و تصمیم به مجاورتِ اُعتاب مقدسه!**

رضاخان که با دقت سیر حوادث را از نزدیک دنبال می کرد و از هر سو خود را در بن‌بست می‌دید و گرفتار دستپاچگی و سردرگمی شده بود، به حربه قدیمی خود، استعفای روی آورد. او در فاصله هفتم تا هجدهم فروردین با عده‌ای از رجال سیاسی، علما و روزنامه‌نگاران به بحث و گفت‌وگو پرداخت، اما نتیجه مطلوبی نگرفت. گفته‌اند که رضاخان تصمیم قاطع گرفته بود از کشور خارج شود و مدتی در عتبات زندگی کند تا در فرصت مناسب مجلسی دائمی برای زندگی خود انتخاب کند. به همین دلیل شیخ مهدی نجم‌آبادی که امور شرعیه رضاخان را انجام می‌داد، به دستور او و کالت‌نامه‌ای را به اسم سرهنگ کریم بوذرجمهری تنظیم کرد تا در غیاب رضاخان، امور زندگی او را اداره کند. این تصمیم، اقدامی حساب شده و ماهرانه و واکنشی طبیعی در قبال بی‌اعتنایی شاه و مجلس نسبت به او بود. رضاخان با طرح موضوع زیارت و مجاور شدن در عتبات، درواقع دل‌بستگی خود به اسلام را به نمایش گذاشت. در چنین فضای

اگر مجلس یا نهاد‌های رسمی و قانونی دیگری مطمئناً با قدرت بیشتری برمی‌گشت. مشاوران متعدد رضاخان او را از پیامدهای خطرناک این تصمیم عجولانه بر حذر داشتند و با انجام مذاکرات زیاد با او بالاخره قانعش کردند که اگر هم می خواهد از تهران خارج شود به املاک خود در رودهن رود تا در صورت مساعد شدن اوضاع بتواند سریع خودش را به تهران برساند. در این تغییر عقیده نقش مهم بعضی از نمایندگان بی‌طرف و وجه‌المله مجلس را نباید نادیده گرفت. ضمن جلوگیری از خروج سردار سپه از کشور او گفتند که مجلس تکلیف همه چیز را روشن خواهد کرد. او در متن استعفای خود خطاب به نظامی‌ها اشاره کرده بود که با وجود خدمات عمده و فداکاری‌های تاریخی و قدم‌های سریعی که در این مدت کوتاه برای احیای کشور و راهی‌اشون از دست بیگانگان و نجات مملکت از چنگ یانگی‌ها و گردن‌کشان انجام داد و به‌رغم تلاش‌های طاقت‌فرا در راه عظمت و استقلال کشور، متأسفانه به جای دریافت قدرانی و تشویق، به دلیل خیانت‌های جمعی از مفسدین

بی‌علاقه به آب و خاک و در خدمت بیگانگان که جز وطن‌پروشی و دسیسه‌کاری نداشتند، وضعیت را چنان خراب و دل‌سردکننده می‌بیند که تصمیم به استعفا گرفته است.

■ **پدر وطن رفت!؟**

در بی استعفای رضاخان، مجلس برای تصدی ریاست کابینه شخصیت‌های کهنه‌کاری چون محمدتوفی الممالک، مخبرالسلطنه و میرالدوله یافتن راه‌گریزی بود. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل یک دیکتاتور، تشنه قدرت نشان داده است. کابینه‌اش هم بی‌تحرک و غیرفعال است. نبودی، پیشکار مخصوص رضاخان هم در خاطر آتش نوشته است که رضاخان در این روزها دل و دماغ کافی ندارد، سرشکسته و خسته است، از دیدار با مقامات کشور طفره می‌رود و در پی یافتن راه‌گریزی است. او مثل